

## رویکردانی مردم از نمایش انتخاباتی رژیم

بقیه از صفحه ۱

مشاهدات عینی مردم و گزارشهای خبرنگاران خارجی، همه حکایت از آن دارند که غالب حوزه‌های اخذ رأی خالی و میزان مشارکت مردم بسیار پائین بود. تبلیغات و صحنه سازیهای «صدا و سیما»ی رژیم و، مضحکتر از آن، تمدید ساعات رأی‌گیری هم تأثیری در کشاندن مردم به پای صندوقها نداشت. با اینهمه، بلندگوهای تبلیغاتی حکومت مدعی شرکت ۶۰ درصد واجدین شرایط در این انتخابات شدند و وزارت کشور رژیم نیز، دو روز بعد از پایان رأی‌گیری، نسبت مشارکت را اندکی بیش از ۵۰ درصد (۵۷/۵۰ درصد) اعلام داشت. (ارقام رسمی میزان مشارکت در انتخابات مجلس پنجم ۷۱ درصد و برای مجلس ششم ۶۷ درصد اعلام شده بود) ولی بسیاری از صاحبزنان، با توجه به تعداد واقعی واجدین شرایط، نسبت مشارکت در این انتخابات را ۴۰ تا ۴۵ درصد برآورد می‌کنند. قدر مسلم اینست که بیش از نیمی از دارندگان حق رأی این انتخابات را تحریم کرده‌اند. در تهران، حتی بر پایه گزارشهای رسمی، کمتر از ۳۰ درصد حائزین شرایط به پای صندوقهای رأی رفته‌اند.

صرفنظر از میزان بالای آرای سفید و باطله، که در این انتخابات حدود ۱۵ درصد کل آرای ریخته شده برآورد می‌شود، اجبار قشرها و گروه‌هایی از مردم، به رغم نارضایتی و نفرت آنها از رژیم حاکم، برای شرکت در این نمایش انتخاباتی هم، باید در نظر گرفته شود. این اجبار، در شرایط موجود، از ملاحظات مذهبی («واجب شرعی» خواندن شرکت در رأی‌گیری) و سیاسی و اجتماعی (مثلاً مهر خوردن شناسنامه به منظور شرکت در کنکور و یا استخدام دولتی) برمی‌خیزد و به ویژه، در روستاها و شهرهای کوچک عمل می‌کند.

«رهبر» رژیم، طبق معمول، با وقاحت تمام، حضور «گسترده» مردم در این انتخابات را «حماسه اسلامی و ملی» خوانده و آن را «پیروزی» دیگری برای رژیم قلمداد کرد. اما تحریف آشکار واقعیتها از جانب سردمداران جمهوری اسلامی، شگردی شناخته شده است که اکنون، بیش از همیشه، درماندگی آنها و بن‌بست حکومتشان را برملا می‌سازد. واقعیت اینست که اکثریت مردم، با تحریم این انتخابات، فقدان مشروعیت رسمی و علنی کلیت رژیم اسلامی را، یکبار دیگر، نشان دادند.

خامنه‌ای و دارودسته آن، با حذف حریفان

و مهره‌چینی‌های پیش از انتخابات، می‌توانند تصاحب مجلس هفتم را «موفقیت» دیگری برای خود در مقابل رقبایان حکومتی بخوانند. اما مجلسی که به این ترتیب تعیین و تشکیل می‌شود، کمترین اعتباری در میان مردم ندارند. هرگاه رقابت‌های انتخاباتی دوره‌های پیشین در بین «خودی‌ها»، این توهم را در بین بخشی از اقشار در داخل و یا ناظران و رسانه‌های خارجی دامن می‌زد که، بالاخره، نوعی «دموکراسی» هم در ایران وجود دارد، این بار حذف و رد گسترده «خودی‌ها» نیز در جریان تدارک انتخابات، ماهیت اساساً ضد دموکراتیک مقوله انتخابات در چارچوب جمهوری اسلامی را کاملاً عیان ساخت. نمایشی که زیر عنوان «انتخابات» از چند ماه پیش شروع شده و در اول اسفند به انجام رسید. به روشنی نشان داد که آنچه توسط این رژیم به نام انتخابات برگزار می‌شود، هیچگونه سازگاری با خواست و اراده آزاد توده‌های وسیع مردم ایران ندارد.

عدم شرکت اکثریت مردم در این انتخابات نیز، متقابلاً، «موفقیتی» برای جناح اصلاح طلبان حکومتی، که نامزدهای انتخاباتی‌شان به وسیله شورای نگهبان وسیعاً قلع و قمع شدند، محسوب نمی‌شود. زیرا که معترضان این جناح به روند تدارک انتخابات نیز، نتوانستند حمایت قابل ملاحظه‌ای را نسبت به حرکت اعتراضی‌شان، از بین مردم جلب کنند و، اساساً، اقشار و گروه‌هایی که در انتخابات گذشته به این جناح رأی داده بودند، از مدتها پیش، امید و یا توهم خود را درباره آن از دست داده‌اند. وانگهی، چنان که دیدیم، بخشی از عناصر و جریان‌های این جناح، و در رأس آنها خود خاتمی، هم نهایتاً به برگزاری و شرکت در این انتخابات ضد دموکراتیک تن دادند.

فروریختن توهمات نسبت به اصلاح‌طلبان حکومتی و، همچنین، معرکه و مضحکه‌ای که در جریان تدارک انتخابات و تأیید «صلاحیت» داوطلبان، بر روی صحنه آمد، روند رویکردانی مردم از اینگونه نمایشها و تحریم انتخابات را، بیش از پیش، تأیید و تقویت نمود. مسلماً موضعگیری قاطع اکثریت بزرگ شخصیتها، جریان‌ها، احزاب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون، در داخل و خارج از کشور، هم در مورد تحریم انتخابات اول اسفند، در گسترش و تقویت رویکردانی مردم از این رویداد، موثر بوده است. لکن خطاست اگر تصور کنیم که عدم شرکت گسترده مردم در این انتخابات ناشی از تحریم آن به وسیله جریانهای سیاسی اپوزیسیون بوده است. همان طور که روند میزان مشارکت مردم در چند انتخابات گذشته و، به

ویژه، نسبت مشارکت بسیار پائین آنها در انتخابات «شوراهای اسلامی شهر و روستا»، در سال گذشته، به روشنی نشان می‌دهد، روند رویکردانی و تحریم گسترده انتخابات ساخته و پرداخته رژیم، از سالها پیش شروع شده و، رفته رفته، افزایش یافته است. از این نظر، موضع اقشار وسیعی از توده‌ها، نه عقب‌تر از مواضع سیاستهای اپوزیسیون دموکراتیک و ترقیخواه، بلکه حتی جلوتر از برخی جریان‌های سیاسی بوده و هست.

با آشکارتر شدن معنی و ماهیت ضد دموکراتیک انتخابات در شرایط حاکمیت جمهوری اسلامی و، همراه با آن، عیان شدن هرچه بیشتر فقدان مشروعیت این رژیم و مخالفت و انزجار روزافزون توده‌ها نسبت به آن، مسئله تلاش و مبارزه برای شکل‌گیری آلترناتیوی دموکراتیک و لائیک در برابر رژیم حاکم نیز اهمیت و ضرورتی بیشتر و مبرم‌تر می‌یابد.

برگزاری به هر ترتیب انتخابات و تشکیل مجلس فرمایشی، همان طور که اشاره شد (و همچنان که تجربه همه رژیمهای استبدادی و ضد مردمی هم نشان داده است) نه نقطه قوت رژیم بلکه نشانه بن‌بست و استیصال آنست. اکثریت مردم، با عدم حضورشان در پای صندوقهای رأی در اول اسفند، باری دیگر، اعلام کردند که حضور و حاکمیت این رژیم را برنمی‌تابند و خواستار نظام دیگری برای تأمین حقوق و خواستهای اساسی و تعیین سرنوشت آینده خود هستند. اما، چنان که می‌دانیم، از نفی و رد رژیم حاکم تا شکل‌گیری آلترناتیوی مبتنی بر اراده آزاد و خواستهای مردم، و برقراری آزادی و دموکراسی و تأمین عدالت، هنوز راهی دشوار در پیش است.

توده‌های مردم، از دانشجویان، روشنفکران، معلمان و زنان، تا کارگران و زحمتکش‌شان، با پیشبرد مبارزات صنفی و سیاسی خود و با تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل‌شان، به رغم تحمل فشار و سرکوبگری‌های وحشیانه رژیم، این راه را پیگیرانه می‌پیمایند. جنبشهای اجتماعی جاری، نه تنها در مقابله با رژیم حاکم بلکه در شکل‌گیری آلترناتیو مطلوب مردم نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این میان، و از طریق ایجاد پیوندهای گسترده با مبارزات توده‌ها و با جنبشهای اجتماعی موجود، سازمانها و جریان‌های اپوزیسیون دموکراتیک و لائیک نیز می‌توانند و باید با همکاری بیشتر و متحد کردن صفوف خود، در جهت ایجاد آلترناتیو مورد نظر مردم تلاش و مبارزه کنند.

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی